



مروزی بر شکستی های انتخابات

انزوای اصلاحات آغاز تغییرات



شهراد اثی اشوری
روزنامه نگار و کارشناس
علوم سیاسی و بین الملل

اگر چه در این دوره از انتخابات کربویی و حتی هاشمی نسبت به وقوع تخلف ها هشدار دادند و خواهان بی طرفی برخی از نهادها و سازمان ها شدند، اما شورای نگهبان در نهایت با تایید صحت انتخابات، شاهین خوشبختی را بر شانه احمدی نژاد نشانند تا برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب پروژه یکسان سازی حاکمیت تحقق یابد و عرصه اجرایی کشور به دست اصول گرایان بیفتند.

شاید کمتر کسی باور می کرد که با توجه به اختلاف نظر اصول گرایان برای معرفی نامزد واحد و در حالی که شورای هماهنگی نیروهای انقلاب حمایت رسمی خود را از علی لاریجانی اعلام کرده بود، در دقیقه نود کاندیدایی به دور دوم راه یابد که توانایی رقابت با هاشمی را داشته باشد، اما سرنوشت طور دیگری رقم خورد و درست بر خلاف نظرسنجی ها و پیش بینی تحلیل گران، جوانی

بالاخره همانگونه که انتظار می رفت، محمود احمدی نژاد که در برخی از رسانه های غربی با نام "رابین هود اسلامی" از او یاد می شد در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم توانست با بیش از ۱۷ میلیون رای رقیب پر آوازه خود علی اکبر هاشمی رفسنجانی را پشت سر گذارده و به عنوان ششمین رئیس جمهوری اسلامی ایران انتخاب شود.

هر چند در مرحله اول انتخابات تقریبا هیچکس تصور نمی کرد که احمدی نژاد به مرحله دوم رقابت ها راه یابد، اما قضا و قدر، تعدد نامزدهای ریاست جمهوری، تخریب شخصیت آنها و حمایت گسترده برخی از نهادها و گروه ها از وی و نیز شائبه وقوع پاره ای تخلفات در انتخابات همگی دست به دست هم داد تا پیر عرصه سیاست در کمال ناباوری صحنه قدرت را به حریف جوان خود واگذار کند.

پیروزی شکست آور احمدی نژاد ناشی از شکاف طبقاتی و افزایش فاصله بین مردم و حاکمیت است

منتخب مردم شد که سوابق اجرایی و مدیریتی کمتری در مقایسه با سایر نامزدها داشت.

از شهرداری تا ریاست جمهوری

آبادگران که برای اولین بار به عنوان نسل جدید و تحول خواه از بدنه اصول گرایان شوراها را تسخیر کردند، خیلی زود پله های ترقی را یکی پس از دیگری پیمودند تا این که مجلس هفتم را نیز از آن خود کردند و در سومین گام که با چراغ خاموش همراه بود، نهاد ریاست جمهوری را هم به تصرف در آوردند تا زنجیر سه گانه حکومتی نسل جدید اصول گرایی کامل شود.

یکی از نقاط جالب توجه این دوره از انتخابات این

است که نامزد آبادگران بدون تبلیغات

سنگین توانست به مرحله دوم راه یابد. شاید کسی باور نمی کرد که او به چنین جایگاهی برسد، اما او در طول دوران مسوولیتش در شهرداری توانست با برقراری ارتباط دوستانه با مردم و نیز کمک های اهدایی به هیات های مذهبی، فرهنگیان و جوانان در دل آنها جا خوش کند. البته تخریب های شخصیتی وی نیز نقش موثری در پیروزی او داشت، زیرا حجم نسبتا وسیع تبلیغات منفی علیه او تا حدی به مظلومیت وی در نزد افکار عمومی منجر شد.

از سوی دیگر بسیاری از لایه های پایین و متوسط جامعه که بروز مشکلات اقتصادی و تورم را ناشی از ضعیف بودن مدیریت کشوری می دانستند همانند انتخابات سال ۷۶ برای بالا نیامدن رقیب به احمدی نژاد رای دادند تا نارضایتی خود را از وضع موجود اعلام کنند.

... و چنین بود که سرانجام در مرحله دوم انتخابات تمامی اصول گرایان حمایت خود را از شهردار تهران اعلام کردند تا وی به کمک قدرتمندان حاکم در این جناح و پشتیبانی برخی نهادها بتواند از خیابان بهشت راهی پاستور شود و جناح مقابل را چنان در بهت و حیرت فرو برد که حتی با وجود تشکیل ائتلاف ملی برای حمایت از هاشمی، نتواند به جایگاهی بهتر از دومی دست یابد.

شاید تنها پرسش اساسی در این مرحله این باشد که به راستی احمدی نژاد که به جز آبادگران در

جامعه را له نمی کرد، بی شک پیروز انتخابات شخص دیگری بود.

بیوگرافی و خلاصه برنامه های

احمدی نژاد

محمود احمدی نژاد سال ۱۳۳۵ در شهرستان گرمسار به دنیا آمد. پدر او آهنگر بود و هفت فرزند داشت که او چهارمین فرزند است. در سال ۱۳۵۴ در رشته مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت دوره تحصیلات عالی را آغاز کرد و در سال ۱۳۶۵ در مقطع کارشناسی ارشد همان دانشگاه پذیرفته شد تا این که در سال ۱۳۷۶ مدرک دکترای مهندسی و برنامه ریزی حمل و نقل ترافیک را دریافت کرد. او مدتی به عنوان معاون

و فرماندار ماکو و خوی و مشاور

استاندار کردستان فعالیت می کرد که

به دنبال استان شدن اردبیل رسماً

استاندار این استان شد و سرانجام در

سال ۱۳۸۲ از سوی شورای شهر تهران

به عنوان شهردار پایتخت انتخاب شد.

او اگر چه مانند سایر نامزدهای

انتخاباتی برنامه مدون و تنظیم

شده ای نداشت، اما در سخنرانی های

خود همواره بر عدالت و توزیع عادلانه

ثروت بین مردم تأکید کرده است. وی

معتقد است: دولت عدالت خواه و

انقلابی، منابع ملی را از گزند تعرض و چپاول

فرصت طلبان، زیاده خواهان و کسانی که دارایی

مردم را متعلق به خود و قبیله خود می دانند، مصون

نگه می دارد. شهردار تهران اجرای عدالت را یک

مجاهدت سخت و دشوار می داند و در عین حال

"دولت اسلامی" را راه حل برقراری عدالت و حرکت

در مسیر آن می داند.

منتخب مردم ادامه می دهد: برنامه های کشور در

قالب قانون چهارم توسعه خواهد بود اما رویکرد

من به این برنامه عدالت محور است. اولویت جدی

من رفع مشکلات جوانان و رسیدگی به مسایل

آموزش و پرورش است. توسعه سیاسی به مفهوم

آن که قدرت نقد مردم را بالا ببرد و به مشارکت

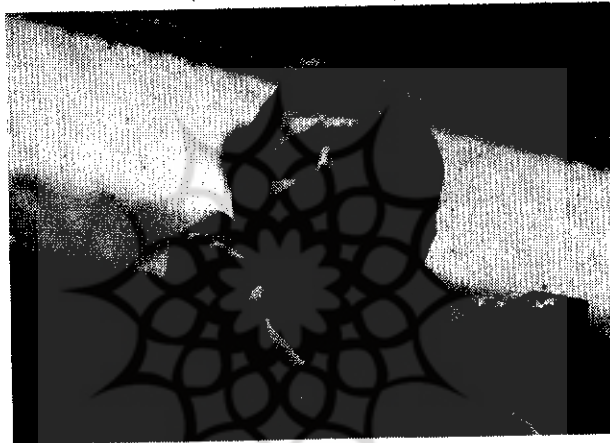
بیشتر آنها در امور منجر شود، مورد نظر اوست.

توسعه سیاسی البته نباید به افزایش کینه ورزی و

تعمیق شکاف های گروهی منجر شود. عرصه

آزادی هم باید به لحاظ کمی و کیفی توسعه یابد.

توزیع عادلانه ثروت جلوگیری از رانت خواری، تغییر در نظام اقتصادی کشور، رسیدگی به مشکلات جوانان و آموزش و پرورش از برنامه های دولت جدید است



مرحله اول از حمایت حزب خاصی برخوردار نبود، چگونه توانست به ناگهان از شهرداری به ریاست جمهوری برسد؟

نزدیکان احمدی نژاد می گویند: او برای قطع دست دزدان آمده و با حمایت پاسداران و بسیجیان می تواند جلوی نفوذ مافیای قدرت و ثروت را بگیرد.

مردم نیز که همواره از تبعیض و فقر و فساد رنج می برند، راه خلاصی از تورم و رسیدن به عدالت اجتماعی را در گرو به قدرت رسیدن شهردار تهران می دیدند.

وی برای حامیانش یک مرد ساده و مردمی است که با فساد جنگیده و همواره بر لزوم تقسیم عادلانه ثروت تأکید کرده است. نزدیکان شهردار تهران همچنین معتقدند: اگر خویشاوندان هاشمی در فعالیت های اقتصادی کشور شرکت نمی کردند و شایسته سالاری جای خویشاوند سالاری را می گرفت و چرخ های توسعه، اقشار آسیب پذیر

وی می‌گوید: دانشجو و دانشگاه به محیطی امن و آرام برای تحصیل و کسب علم نیاز دارد. هرگاه بخشی از دانشگاه تمام توان خود را در خدمت جریان‌های قدرت طلب سیاسی قرار دهد. همان بخش نقطه انفعال دانشگاه خواهد بود. به گفته او هیچ ابرقدرتی نمی‌تواند کوچک‌ترین مطلبی را به ملت ایران تحمیل کند.

خلاصه دیدگاه‌ها و برنامه‌های احمدی نژاد در حوزه‌های مختلف به شرح زیر است:

- نگاه فعلی به جوانان نیازمند تغییر است زیرا گروهی جوانان را معضل دانسته در حالی که آنها یک فرصتند نه تهدید.
- آموزش و پرورش باید بر همه چیز ترجیح داده شود، زیرا انتقال‌دهنده روح خلاق و ایمان ملت به نسل‌های بعد است.
- منابع ملی باید از چپته دولت، آزاد و در اختیار مردم قرار گیرد.
- بروز تجمل‌گرایی، جدایی از مردم، اشرافی‌گرایی، خودخواهی‌ها و قدرت‌طلبی‌ها حاصل تضعیف رویکرد تحول‌گرا در عرصه مدیریتی کشور است.

- بانک‌های خصوصی به شکل فعلی نه تنها نقش سازنده‌ای در اقتصاد کشور ندارند، بلکه آثار تخریبی آنها در چرخه اقتصاد کشور بسیار زیاد است.

- یکی از علل فقر و فساد، سود بانکی است. سود بالای بانکی عامل اختلاف طبقات و تمرکز فرصت‌ها در دست عده‌ای خاص است. سود

۲۴ درصدی به هیچ وجه ایجاد اشتغال نمی‌کند.

- مجهز شدن به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای خواسته همه ملت است و حاکمیت باید به عنوان نماد خواسته عمومی تمام تلاش خود را به کار گیرد تا این خواسته محقق شود.

- کسانی که قله‌های ثروت را در اختیار دارند برای پایدار و ماندگار کردن این ثروت، رسانه‌ها را در اختیار می‌گیرند، حزب و گروه سیاسی به وجود می‌آورند و عناصری را با هدف توجیه وضع موجود به خدمت می‌گیرند.

- ستاد دولت از مردم جدا شده و مشکلات آنها را درست تشخیص نمی‌دهد، زیرا گرفتار یک سلسله‌بازی‌های قدرت شده است.

- منافع ملت را فدای باندها و احزاب نمی‌کنم. - باید فرصت دهیم مردم بتوانند بر سر مدیری که



مردم به وضع موجود اعتراض دارند و انتخاب احمدی نژاد یعنی این که او از منظر مردم، مخالف وضع موجود است

بیت‌المال را تلف می‌کند، داد بزنند.
- می‌خواهیم جلوی رانت‌ها را بگیریم.
- اگر قرار باشد کسی داد بزند، من باید این کار را بکنم، زیرا رای من اول بود.

آینده اصلاحات و جناح‌ها

پوشش تحولات سیاسی و اجتماعی کشور و بررسی آن پس از انتخابات شوراها تا نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری همگی نشانگر تغییرات عمده در لایه‌های مدیریتی جناح‌ها و احزاب است. به گونه دیگر این روند نشانگر آن است که در هر دو جناح انشعاب‌های تازه‌ای رخ خواهد داد و احزاب جدیدی پا به عرصه حیات خواهند گذاشت. جناح اصلاح طلب که تا قبل از انتخابات تبلیغات گسترده‌ای را علیه هاشمی تدارک دیده بود، به دنبال رای نیاوردن کاندیداهای خود به ناچار از در دوستی با هاشمی در آمدند تا بتوانند در دولت آینده سهمی داشته باشند، اما با این تغییر رویکرد از این پس طرفداران اصلاحات به شاخه‌های متعدد تقسیم شده و هر یک برای انتخابات آینده به بازسازی فکری و تشکیلاتی خود خواهند پرداخت. بدین ترتیب اصلاحات حداقل برای چند سال در انزوا قرار می‌گیرد تا با تجدید قوا و بازنگری در تشکیلات و کادر رهبری آن، بار دیگر به صحنه قدرت باز گردد.

اما این تغییرات فقط طیف اصلاحات را شامل نمی‌شود، بلکه جناح اصول‌گرا نیز در آستانه تغییر و تحولات تازه‌ای قرار دارد. با توجه به تعدد نامزدها در این جناح که در مرحله اول شاهد بودیم، انشعاب احتمالی توسط اصول‌گرایان اصلاح طلب آغاز می‌شود که دلیل آن بروز اشتباه از سوی اصول‌گرایان سنتی ذکر شده است. بدین ترتیب پیش‌بینی می‌شود طیف سنتی این جریان از این پس در حاشیه بماند و لایه جدیدی از اصول‌گرایان تحول‌خواه که متعلق به نسل دوم و سوم هستند، اداره این جریان را به عهده گیرند. در این وضعیت به تدریج گفتمان "عدالت‌خواهانه" جای "اصلاحات" را گرفته و تغییرات در بدنه اجرایی کشور به سرعت آغاز خواهد شد.

استعفای کروی از مجمع روحانیون و نارضایتی هاشمی از تخریب‌های سازمان یافته علیه او و

نتیجه انتخابات حاکی از آن است که یک دگرگونی ریشه‌ای در صف‌بندی‌های سیاسی جامعه در حال شکل‌گیری است که شاید مهم‌ترین نتیجه آن کم‌رنگ شدن تاثیر جناح‌ها و افزایش سهم احزاب در بازی قدرت باشد.

تشکیل جبهه اعتدال اسلامی توسط هاشمی، سازماندهی نیروهای چپ سنتی در قالب یک جریان نوپا توسط کروبی، احتمال احیای آبادگران و تبدیل آن به یک حزب توسط احمدی‌نژاد یا توکلی از پیامدهای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری است.

انتقال فرایند تصمیم‌گیری از شورای هماهنگی که اکنون کارآمدیش زیر سوال رفته، به نسل جدید اصول‌گرایان و تغییر نظام مدیریت کلان کشور از سمت روحانیون به سوی اشخاص غیر روحانی از دیگر پیامدهای این دوره انتخابات است.



چرا احمدی نژاد...؟

محمود احمدی نژاد تا قبل از رسیدن به شهرداری تهران نام چندان شناخته شده‌ای نبود، او به عنوان ششمین رئیس جمهوری قرار است مرداد ماه حکم تنفیذ خود را از رهبر دریافت و سپس رسماً فعالیتش را آغاز کند. همان طور که در ابتدای این نوشتار اشاره شد، وی حتی امید به پیروزی در مرحله اول طبق نظرسنجی‌ها نداشت، زیرا حتی اصول‌گرایان سنتی نیز او را به قصد کناره‌گیری به نفع لاریجانی تشویق می‌کردند، اما گفتمان ساده و مردمی او به ویژه در صدا و سیما باعث جلب نظر مردم شد.

مردم که همیشه در سال‌های گذشته نارضایتی خود را از وضعیت اقتصادی کشور ابراز کرده بودند، در این دوره از انتخابات واقعا همانند سال ۷۶ خواستار تغییر وضع موجود شدند و از آن جا که اشخاصی مانند هاشمی را نماد وضع موجود تلقی می‌کردند، به ناچار به سمت رقیب او گرایش یافتند تا شاید این نماد به هم ریخته و بتوانند به مطالبات واقعی خود دست یابند. از منظر مردم احمدی نژاد مخالف وضع موجود تلقی می‌شود. ولی آیا این

استنباط مردم صحیح است یا نه؟ باید در انتظار اقدامات اساسی دولت جدید بود. به عبارتی دیگر شاید پیروزی شگفت‌آور احمدی نژاد ناشی از شکاف مردم و حاکمیت و افزایش شکاف بین طبقات تلقی شود. افکار عمومی در سال ۷۶ یک بار دیگر با انتخاب خاتمی به وضع موجود اعتراض کرد و اکنون ۸ سال پس از دوم خرداد یعنی در سوم تیر ۸۴ با چرخشی تند حتی به طرفداران خاتمی هم رای چندانی نداد تا این پیام را به گوش مسوولان کشور برسانند: که اگر عملکرد مدیران، مردمی و طبق مطالبات مردم نباشد، به زودی با



یکی از پیامدهای انتخابات ریاست جمهوری تغییر بنیادین در صف‌بندی‌های سیاسی و انشعاب‌های حزبی در هر دو جناح است



خشم آنها روبه‌رو خواهند شد. با این توصیف، رای به رئیس جمهور منتخب را می‌توان حاصل شکاف فقیر و غنی ارزیابی و در عین حال به رئیس جمهوری منتخب مردم نیز هشدار داد تا بداند اگر او نیز در این چهار سال رویه دیگری را در پیش گیرد و به قول و وعده‌های خود عمل نکند، مجدداً به بایگانی تاریخ سپرده خواهد شد.

احمدی نژاد در حال حاضر مسوولیت بسیار سنگینی بر عهده دارد، شاید سنگین‌تر از خاتمی، زیرا اکنون حاکمیت یکپارچه و در اختیار اصول‌گرایان است و دیگر هیچ بهانه‌ای برای کار نکردن پذیرفته نمی‌شود. او با گفتمان اصول‌گرایی و با تاکید بر ارزش‌های انقلابی به میدان آمده و همه چشم‌ها اکنون به سوی او دوخته شده است، چه کسانی که به او رای دادند و چه کسانی که حامی رقیبش بوده‌اند.

امروز دیگر جایی برای ادامه درگیری‌های جناحی باقی نمانده و راه ناهموار مردم‌سالاری دینی را که خاتمی بنیادش نهاد، باید احمدی نژاد با مشی اعتدال و میانه‌روی دنبال کند و اجازه تندروری به اطرافیان خود ندهد. نه پیروز انتخابات باید جناح رقیب را حاشیه نشین کند و نه بازنده انتخابات در کار دولت مانع‌تراشی نماید. برنده واقعی شخصی است که هیچگاه مغرور نشود و ضمن حفظ حرمت رقیب از تسویه حساب‌ها خودداری کند و از تمام توان و پتانسیل نیروهای شایسته از هر جناح برای توانمندی دولت آینده استفاده لازم را ببرد.

مهم‌ترین دغدغه‌های رئیس جمهوری منتخب و اصول‌گرایان اصلاح‌طلب، فراهم کردن رفاه برای مردم، جلوگیری از تبعیض و شکاف طبقاتی، مدارا با رقیب دوری از تنازع و تحول واقعی در معیشت مردم است. اگر پس از خرداد ۷۶ تا امروز جناح‌ها به جای همکاری با یکدیگر از روش مقابله و تخریب بهره جستند، امروز باید با عبرت از اشتباهات گذشته همگی برای رفاه و سربلندی ملت و کشور فعالیت کنند. ادامه دعوای بی حاصل بانندی و گروهی هیچ نتیجه‌ای جز افزایش بحران داخلی و به خطر افتادن منافع ملی و تمامیت ارضی ندارد.